

ترنم‌های نیلوفرانه

ادعیه و نیایش‌های ادیان



ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال طالع کرمی انسانی

اشاره: تنوع ادیان هیچ‌گاه اسباب آن را فراهم نیاورده که میان آنها تزاخم و تناقض پدید آید. به عبارت دیگر، تفاوت‌های ادیان، موجب نشده است که شباهت‌های شگرفی بین آیین‌های قدسی و ادیان مینوی وجود نداشته باشد. این گونه است که می‌توان در منظومه ادیان مختلف به آموزه‌ها و فرازهایی رسید که به غایت، مشابه آموزه‌ها و فرازهای سایر ادیان است.

«نیایش‌ها و ادعیه دینی» از جمله این مشابهات است. در کتاب نیایش (Book of Prayer, Juliet Mabea, Oneworld Oxford, ۲۰۰۰) مجموعه‌ای از نیایش‌های ادیان گوناگون گرد آمده و در قالب نوعی طبقه‌بندی این ادعیه گنجانده شده است.

اخیر ادیان، نیت بر خورنداری و بهره‌مندی از طراوت نچواها و نیایش‌های دینی، می‌کوشند در هر شماره، بخشی از این کتاب و فزازی از ادعیه مذاهب مختلف را ترجمه و عرضه کند. در بخش نخست، پس از درج پیشگفتار کتاب، نیایش‌هایی با موضوع «حمد و ستایش» و «ارتباط با خداوند» خواهد آمد.

دعیه و نیایش‌هایی از سراسر دنیا در تمامی سنن از شرق و غرب در اینجا جمعند که از سنتهای شفاهی ادیان ابتدایی تا اعتقادات جهانی متون مقدس، همه را در برمی‌گیرد و اساساً به ما نشان می‌دهد که دعاها در سراسر دنیا، در هر کشور و مذهبی یکسان هستند.

وقتی در عمق حسن نیایش غور می‌کنیم گویی این حس در ژرفای قلبهایمان فرو می‌رود و بخشی از وجود ما می‌شود و بر ارزشها و کنشهای ما تاثر می‌گذارد. پس دعاها در عاقلاً نه‌تر و کاملتر زیستن به ما یاری می‌دهند آن‌گونه که بتوانیم به ماورای وجود مادی خود گام نهیم و هویت واقعی روحانی خود را به خاطر آوریم.

مادامی که تجربه بشری با آن امری که خاستگاه دعاست یکسان باشد، تنوع بزرگی در شکل‌های دعا رخ می‌نمایند که منعکس‌کننده تغییر در فرهنگ‌ها، مذاهب و اشخاصی است که آن ادعیه را خلق کرده‌اند. با وجود چنین میراث زرتشمندی از ادعیه مکتوب و گفتاری، وظیفه بسیار سختی است که از این دریای پرگهر، مروریدهای متنوعی برگزینیم. بسیاری از نیایشها مشهور و عام‌پسندند و بسیاری دیگر ترکیبی از عشق و شیفتگی عمیق هستند. بعضی از دعاها را به واسطه صراحت و سادگی شان زمره می‌کنیم و برخی دیگر را به دلیل پیچیدگی و ادبیانه بودنشان واگوبه می‌نماییم.

ما در اینجا می‌توانیم نظری اجمالی به دنیای شکوهمند هزار رنگ، متنوع و غنی تسائیت بیفکنیم و باغی انباشته از رنگ و رایحه در انبان آوریم. در این صفحات به‌رغم پیشینه دینی‌ای که داریم با بعضی زوایای جدید و روشی متفاوت در بیان حقیقتی آشنا رویه‌رو می‌شویم که ما را مسرور می‌کند، بینش روانی ما را تعمیق می‌بخشد و شاید از همه پراهمیت‌تر، به ما الهام می‌بخشد تا جهد و کوشش کنیم و مجدداً توان روحانی زندگی خود را سازماندهی نماییم.

فصل اول

۱- بیاط با خدا

بیت: ۴ ذکر کونی ما می‌انجامد نه خداوند.

حمد و ستایش

ای پروردگار من تو را دوست می‌دارم؛ نه چون در امید بهشتی.

نه چون آنها که تو را دوست ندارند برای همیشه گم شده‌اند.

نه در آرزوی به دست آوردن چیزی.

نه در جست‌وجوی پاداشی؛

بلکه چون خودت مرا دوست داشته‌ای،

آه ای خداوند همیشه دوست داشتنی من!

با این همه دوستت می‌دارم و دیر زمانی خواهم داشت،

و در ستایش تو خواهم سرود.

فقط چون تو پروردگار منی و شهریار جاودانه من.

گمنا

هم تو مام منی و هم باب من

آشنای منی و معلم

اندیشه‌ام و ثروتم

تو برایم همه چیزی. آه ای خداوند هر چه خداست.

آیین هندو: رامانوجا

روحی است که قبل از خلقت آسمانها و زمین، او بود و بود او. یگانه‌ای است که در سکوت ماوی گرفته، بی هیچ مشکلی خاکی، بدون دگرگشت، حضوری فراگیر و ناپیداگرانه. نامش را همی ندانم؛ اما اگر بخواهی نامی بر او نهی، «تانو» اش خواهم نامید. متعال. سفر به سوی وجودی سرمدی، تحیرآمیز است؛ تحیری در دوردستها و این شگفتی دوردست‌آمدنی است.

انسان در این خاکدان، تحت قانون زمین می‌زید و زمین در زیر فرمان آسمان گام می‌زند، آسمان نیز تحت لوی قانون تانوست و تانو فراچنگ قانون خویش.

آیین تانو
تعلق خاطر من به توست اهورا مزدا که هر چه ستایش است از آن تو است. با بازوانی گشاده و ذهنی فرخ و به تمامی قلبم، در روح، تو را بزرگ می‌شمارم. به من بنگر خدای بزرگم و رویم را شاد و تابناک گردان.

قلبم خواهان توست آن چنان که لیبب آتش اشتیاقش هیچ‌گاه فرو نمی‌نشیند. تو ارزشمندترین دارایی منی. بزرگترین و والا، پر جذب و عزیزتر از زندگی جسم و حیات روحم. شادی من در تو خلاصه می‌شود و پناهم تویی. آرامش من از تو می‌گذرد. بگذار بیش از تو باشم و با تو و در تماشای تو، خاضعانه نماز برم.

آیین زرتشت: آهتود، نخستین بخش گاناها

در احترام بودا، گلها را تقدیم می‌کنیم:

گلهایی که اکنون تازه‌اند و شیرین می‌شکفند.

گلهایی که فردا می‌پزمرند و فرو می‌افتند.

تن‌های ما نیز چونان گلها از میانه خواهند رفت.

برای تکریم بودا، شمعها را پیشکش می‌کنیم

به او که عین نور است، روشنایی تبار می‌کنیم.

از سرچشمه بزرگ نورش، فانوس کوچکی را در وجود خویش می‌افروزیم.

چراغ حکمت اندرون قلوب ما برتوفاشانی می‌کند. به احترام بودا، عود می‌سوزانیم.

عودی که عطر آن هوا را بر می‌کند.

عطر زندگانی کامل، شیرین‌تر از عود، در تمام سوهای زمین.

آیین بودا

من سرودی برای خداوند خواهم خواند

تارهای ساز را خواهم نواخت.

برای خدایی که همه خوبیها را به ما هدیه کرده

خواهم نواخت تارهای ساز را.

همسران و دارایی و شعور

تارهای ساز را خواهم نواخت.

سنت افریقایی، بانوبا «زئیر»

بگذار عشقم گرد گامهای نیلوفرانه تو بیچد و بی‌اهمیت است که تم

کجاست، درآرامشگاه شهر، یا در کومه جنگل، در لباس زنده فقر یا ردای نوی

ثروت.

بیا موزانم که فقط وفادار به تو باشم.

آه ای خدا بی‌نگاه تو در سکرآت مرگم، چون ابلیس رانده از گوهر آن وجود

مقدس تو.

بگذار نه در سپاس و توبیخ تو فتم بلکه در اعماق روح خویشتن تو را تقدیس

کنم

و خدای من! تو نگهدار منی.

آیین هندو: تولسی داس، شاعر هندی